



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۱۹

دوکتور صلاح الدین سعیدی

ما - تراژیدی ما و راههای بیرون رفت از آن! مونر- زمونر غمیزه او له غمیزی د وتلو لاری!

این نوشته، بیان و تحلیل برای هفتادویکمین کنفرانس، مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان، مؤرخ: ۲۹ وری/ سنبله، سال ۱۴۰۵ هجری شمسی (بیست سپتامبر، سال ۲۰۲۶ م.)، که زیر نام و عنوان مرکزی: بحران افغانستان؛ ریشه ها؛ پیامدها؛ و راهکار های بیرون رفت، و عناوین، نقش قانون اساسی در حل مشکلات، ما - تراژیدی ما و راههای بیرون رفت از آن!، تنظیم و تقدیم شده است! بیانه های اساسی توسط استاد پروفیسور دکتور عثمان تره کی، داکتر صلاح الدین سعیدی و دکتور عبدالرؤف توانا، ارایه خواهد شد. کنفرانس حضوری و آنلاين - لینک ارتباط و تست اپ و تیلفون های مهم: +34673794941 و +33641591606

معرفی کوتاه دوکتور صلاح الدین سعیدی یک از سه تن از سخنرانان

About Dr. Salahuddin Sayedi



معرفی:

داکتر صلاح الدین سعیدی محقق اسلامی، داکتر علوم حقوق، ماستر حقوق بین الدول، دارنده تحصیلات مدرسه ای و عالی دینی در داخل افغانستان (مدرسه عالی امام ابوحنیفه رح)، کورس یکساله قضاء (منسلک به فرمان رئیس جمهور به منصب قضاء)، و تحصیلات در خارج (پراگ، لندن، قاهره - جامعة الازهر، دمشق) در علوم اسلامی و حقوق، حقوقدان، شرق شناس، زبان شناس (مسلط به ۵ زبان در سطح ترجمان) مؤلف قاموس پنج زبانه (یکهزار صفحه)، معلم، قاضی، وکیل مدافع (۱۳ سال تجربه)، و حال محقق و نویسنده.

تحقیقات و نوشته های روی دست:

- مهمت ترجمه، تفسیر قرآن کریم وقاموس القرآن، به زبان های پشتو و دری (قسمت اعظم این عناوین به زیور چاپ رسیده و نشر شده).
- کاربالای وسعت دادن، قاموس هزار صفحه ای پشتو، دری/فارسی، چکی، (چاپ ۲۰۰۲) و انکشاف آن به زبانهای عربی و انگلیسی که ۹۰ فیصد کارش تمام و در حدود ۲۰۰۰ صفحه است، ادامه دارد.
- کار بالای قاموس کامل ۵ زبانه نام ها (در حدود ۶۵۰۰ صفحه). کار در حالت نهایی سازی است که ممد پروژه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی و سکتور خصوصی بوده، و تا یک سال دیگر (ان شاء الله تعالی) تکمیل خواهد شد!
- نوشته ها، تحلیل ها و تحقیقات روزمره، استهلاکی و تحلیل های زنده میدیایی به اساس مجبوری و حکم روز.

د پانو شمیره: له 1 تر 11

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

د لوی او سپېڅلي الله تعالی په نامه! **نحمده و نصلي علی رسولہ الکریم امابعد** اکثر رائج است که از گذشته و حال شکایت داریم و یا در گذشته مانده ایم. همه شکایت داریم و درین سلسله با ذره بین در پی یافتن مشکلات و نواقص دیگران و سهم شان درین معضلات و بحرانها و نقش خود را درین میان فراموش میکنیم.

موارد هم هست که خود را از همه بهتر و برتر میدانیم. اکثر رائج است، منتظریم و توقع داریم که دیگران خارجی ها، برای ما چه میکنند و ما را باز به کدام استقامت میبرند، پادش حاکمیت و بادیگارد میدهند و منتظریم که این بار مرغ پادشاهی بر شانه کی می نشیند؟ اما در واقعیت امر باید چنین نباشد و برماست تا به نحوی دیگر و از جای دیگر آغاز کرد و از خود و امکانات خود شروع کرد و به آن تمرکز بنیادی داشت.

بدون شخصی سازی مسایل، بدون ماندن در گذشته با آموختن از گذشته راه امروز و فردای خویش را با علم، دانش و تجربه استقامت درست به نحوی جهت داد که در حد اقل مدت زمانی و مصارف کم به نتایج بهتر و عالیتر نائل شویم.

مسایل و معضلات ما را در بخش های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی و عرصه های معمول و متداول جمع بندی، نقد و آسیب شناسی بی رحم نموده، مورد بررسی علمی قرار داده. گذشته و حال ما و راه های بیرون رفت و برداشتن قدمهای حساسی با اولویت زمانی به صورت درست تنظیم شوند.

برماست که برای حق و حصول حق خود مبارزه را دوامدار و پیگیر کرد! حدیث پیامبر بزرگوار اسلام است که: الظالم و المظلوم کلیمها فی النار - ظالم و مظلوم هردو در آتش خوانده شده. پرسیدن یا رسول الله ص : ظالم بخاطر ظلمش، در آتش جهنم. ولی مظلوم چرا؟ فرمودند، بخاطریکه در برابر ظالم قیام نه کرد. بلی نداشتن رأی داشتن رأی است و ساکت ماندن است. وای بر حال ما به ظلم و تعدی کف زده باشیم و تا حال در اصلاح و تلافی، کار مؤثر نه کرده باشیم.

قرآن کریم کتاب آسمانی است، که تمسک و تعمق و هرچه نزدیکتر شدن مداوم به آن، انسان را به نجات دارین میرساند و میبرد.

سبب مسرت و خوشی همراه با اندوه است که یکی از مبلغین متعصب قومی و زبانی (مهدی گمراه) با استفاده القاب تقلبی اکادمیک مریضانه و مزدورانه، دین مبین اسلام را به اسلام سیاسی و غیر سیاسی، تقسیم کرده و اسلام سیاسی را به خاطر اینکه در آن قوم و زبان مرکزیت ندارد، کنار گذاشتن توصیه و رد میکند و به این ترتیب در عمل تأکید کفر میدارد. دین اسلام دین و سیاست است. در اسلام فهم اسلام سیاسی و غیر سیاسی یک تقسیم خطا و غلط است. مانند محقق علوم اسلامی و سیاسی، دین اسلام و شناخت عمیق از اسلام چیزی به نام تقسیم اسلام به سیاسی و غیر سیاسی تقسیم بجا نیست. یا ارزش معین اسلامی و مطابق هدایات قرآن کریم و سنت رسول الله ص است و به آن مسلمان ایمان دارد و یا مسلمان نیست به آن ایمان ندارد؟ اگر ایمان داریم که الحمدلله چنین است، مسلمان متعصب قومی و زبانی بودن در تضاد آند. بلی دین مبین اسلام از اخوت اسلامی بحث دارد و متعصب را از خود نمی داند (من مات علی عصبیه فلیس منا و ... مات موت الجاهلیة) و دین مبین اسلام والا بودن انسان را به تقوا میداند. (... ان اکرمکم عندالله اتقاکم و ...). با تعصب و پیشداوری مردم ما را به جان هم انداختن در اسلام مردود است، عاملان آن شرور و فتنه اند و فتنه گر مأمور و مزدور باید بی رحم افشاء و معزور باید با ترحم تداوی شود.

قرآن کریم را هرچقدر بخوانیم و نزدیک شویم به همان اندازه راهیاب خواهیم شد (ان شاء الله تعالی). در سوره العصر- رسالت انسان در ۱/ ایمان به حق، ۲/ رفتن و عمل به حق و ۳/ نصیحت یکدیگر به حق، تکمیل میشود. نشست امروز بیشتر و دست اندرکاران و سازمان دهان را الله متعال اجر عظیم نصیب کند. و در همین بُعد اخیری هم است.

پرداختن به همه معضلات و راههای بیرون رفت ایجاب سیمینار حد اقل یک هفته ای و تحقیق تیزس را دوکتورا میطلبد، که درین فرصت کوتاه پرداختن به همه آنها متصور نیست و در افاده های کوتاه ممکن موجب سوء تفاهات نیز گردد.

لذا انتخابی به بخش از نکات و استقامت ها اکثر واکنشی به مسایل به آن بخش های هم متمرکز شدیم و ادامه میدهم. هست مواردیکه که در بیشقاب ما چیزی آگاهانه انداخته و ما معذور و یا هدمند آنرا تناول کرده و نتایج کار ما بد شده و بد بود. بلی در گذشته چیز های اند که نباید طوطی وار تکرار میکرد و تأکید میداشت. یکی از آن همین مسئله هویتی به همین منوال مفتضح و انحرافی است. این کوه است، ان درخت است و این قوم و آن قوم خراب و بداست و حال باید حل قومی کرد.

چنین فتنه و فساد را باید توقف داد و معیار های جدید دولرداری مدرن، یک شهروند و یک رأی و تساوی همه در برابر قانون مطرح، عملی و نظارت دوا مدار کرد. در عالم اسباب چیزی و امکان دیگری در اختیار نداریم. بلی باید انگشت گذاشت که مشکلات و اولویت های امروز ما کدام اند؟

بحران ما چیست و عوامل آن کدام اند؟ درین بررسی گذشته چنانچه به آن متمرکز آمدیم، هریک از ما سهم خویش را دارد که نباید بر گذشته صلوات کرد! گذشته را بخاطر حال و آینده در نظر گرفت و بی رحم قضاوت کرد! راه و اولویت امروز و فردا بدون پیشداوری و بدون تعصب و مانند یک شهروند و یک رأی و برنامه سالاری، را اساس قرار داد و استوار ساخت.

راه کدام و چیست؟ راههای بیرون رفت امروز ما چیست و کدامها ها اند و ما چه کرده میتوانیم؟ این راههای بیرون رفت به تغیر زمان و شرایط متفاوت بوده میتوانند و همیشه باید بر حالات و شرایط واقف بود و تمرکز داشت و با تغیر شرایط بدون عدول از خطوط سرخ غیر قابل عبور، کار مشترک کرد. انتخاب دیگر خوب وجود ندارد.

ما به بخش از نکات و جوانب قضایا با صورت روشن و قضیه وار مراجعه و مستدل ساختیم و رفع نواقص، عمل کردن در استقامت اصلاح را سفارش میکنیم. بلی هست مواردیکه که فرصت های خوب داشته ایم ولی نتوانسته به نتایج ملموس برسیم و فرصت های طلای غیر قابل تکرار را به هدر داده ایم.

برماست تا اگر شده با روش پرگمتیک هم که شده، با سبک و سنگین کردن منافع و مصالح خویش پرداخته، عوض انهدام و براندازی به پیگیری خوبی های گذشته ادامه دهیم.

کار برای ایجاد حاکمیت مشروع متداول منبعث از اراده مردم اساس کار را تشکیل میدهد و باید معیار و سنجش بشری وجود داشته باشد که چنین معیار را تعیین کند. تمامیت خواهی و خود را مالک کل و عقل کل دانستن و بقیه را مال و ملکیت خود فکر و عملاً چنین کردن خطا و قابل قبول نیست.

افغانستان از بحران سیاسی، امنیتی و اجتماعی و ایجاد نظام قانونمند و مبتنی بر اراده مردم مقدمه ها و کار است که باید به توافق دسته جمعی رسید. برای این کار باید کار مشترک ملی را آغاز کرد.

حاکمیت موجود درین استقامت کار عملی نه کرده و فاقد مبنای مشروعیت ملی و سازوکارهای لازم برای نمایندگی از اراده عمومی مردم کشور است.

استمرار این وضعیت نه تنها افغانستان را با بحران عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی مواجه ساخته، بلکه پیامدهای آن از مرزهای افغانستان فراتر رفته و به نگرانی جدی برای امنیت منطقه و جهان تبدیل شده است. حضور و فعالیت گروه های تروریستی و افراطی در افغانستان، نگرانی کشورهای منطقه و جامعه جهانی را افزایش داده است. از سوی دیگر، محرومیت بخش بزرگی از جامعه از مشارکت سیاسی، تضعیف نهادهای ملی، محدودیت های گسترده اجتماعی و فقدان یک ساختار سیاسی مورد قبول عمومی، زمینه تداوم بحران را فراهم ساخته است. نهضت نوین اسلامی افغانستان بر این باور است که مسئله افغانستان صرفاً مسئله تغییر یک حکومت نیست؛ بلکه مسئله اصلی، بازسازی مشروعیت سیاسی، احیای دولت ملی، تأمین امنیت، استقرار حاکمیت قانون و ایجاد نظامی است که همه شهروندان، اصل یک شهروند و یک رأی افغان در افغانستان خود را در آن متعلق و دارای حقوق برابر بدانند. این وضع افغانستان را به بحران مشروعیت سیاسی و فقدان مشارکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت کشور؛ انزوای سیاسی افغانستان و کاهش تعامل سازنده آن با جامعه جهانی؛ گسترش فقر، بیکاری و بحران اقتصادی و مهاجرت گسترده شهروندان؛ تضعیف نهادهای ملی و سیاسی کشور؛ بدون قصد و غیر عمدی کشور را به استمرار تبعیض و محرومیت سیاسی و اجتماعی؛ نگرانی فزاینده از فعالیت گروه های تروریستی و افراطی در قلمرو افغانستان؛ افزایش تهدیدهای امنیتی علیه کشورهای منطقه و جامعه جهانی مواجه ساخته و یا ساخته میتواند.

راه بیرون رفت تنها نظام نیست. هزینه مالی و جانی آن زیاد و قابل تحمل نیست. به همین علت که شده ما باید به اولویت های مرکزی خود متمرکز شده و حداقل ها را درین مرحله به توافق رسید و بخاطر جهانی بودن قضایا، جامعه جهانی را برای کمک درین استقامت برای گرداننده گی اصلی توسط خود افغانها دعوت و مستدل بیان داشت. سازمان ملل متحد، نباید صرفاً به مدیریت بحران افغانستان اکتفا کند؛ بلکه باید در همکاری با نیروهای سیاسی، اجتماعی مدنی افغانستان، زمینه یک روند سیاسی واقعی را برای عبور کشور از وضعیت موجود فراهم سازد. هدف این روند نباید تحمیل یک ساختار سیاسی از بیرون و تکرار کنفرانس بن باشد، بلکه باید فراهم کردن شرایطی باشد که مردم افغانستان بتوانند آزادانه درباره آینده سیاسی کشور خود تصمیم بگیرند. این یک پروسه است و برخورد بسته ای و پکیج میطلبد.

با این مقدمه کوتاه میتوان به شکل بحث را آغاز کرد:

بخش مشروعیت و قانون:

نام افغان نام است که از جانب دیگران بر اقوام ساکن برایشندگان این سرزمین و این خط گذاشته شده که دران افغانستان مناطق و شهرهای مهم آنرا تشکیل میداد. این نام در موارد حال یک هویت ملی و سراسری قبول شده

است و در تاریخ توسط عده اندک و انگشت شماری بخاطر بارز بودن نقش پشتونها در گذشته افغانستان، افغان را با پشتون مغالطه، نیز کرده اند ولی حال یک هویت است که بر همه مردمان ساکن درین سرزمین اطلاق میشود. (امریکو نام دوست شخص است که بر نقشه سرزمین های کشف شده بخش امریکا امروز توسط همان نقشه کش گذاشت و بعد و حال این یک هویت و امریکا شد و کس بر آن اعتراض ندارد که چرا نام دوست نقشه کش را مانند یک هویت قبول کنیم؟!)

افغانستان محل سکونت اقوام و انسانها است و همه شهروندان این سرزمین و کشور به نام افغان است. به یقین به این باوریم که افغانستان کشور مشترک همه ما افغانها و همه در برابر قانون مساوی ایم و افغانستان و مسایل آن حل قومی و زبانی ندارد. **یک شهروند و یک رأی اصل است** و برنامه و سیستم سالاری ما را میتواند به استقامت درست بکشاند و ما حل قومی و زبانی را نه تنها که راه حل نمی دانیم و بر سیستم و ساختار سالم سیاسی و حاکمیت قوانین خوب هست که تاجران قومی و زبانی را باید به صورت پیگیر از تأثیر گذاری منفی و سوء استفاده مطابق قانون، باز داشت.

سیاست گذاری ما تقسیم کرسی های دولتی به سیاسی و مسلکی است و کرسی های سیاسی به نتایج انتخابات و کرسی های مسلکی به اساس تخصص مسلکی و فن و تعهد به افغانستان انصاف و تعین میگردد. استاد جهانی پوهنتون اکسفورد، تابع منافع و مصالح ما و متعهد به قانون و قرار داد عقد شده، حد اکثر میتواند مشاور خوب برای ما باشد، اما در نقش نماینده سفارت خارجی در نقش مسؤول اصلی پست سیاسی دولتی افغانی، شده نمی تواند. چیزیکه حکام دست اول جمهوریت نیز از آن شکایت میکردند که در حتی ۱۵ دقیقه قبل تدویر نشست شورای وزراء، هدایت داده میشد که کدام موضوع در اجندا گرفته شده میتواند و کدام نه (والله اعلم بالصواب).

برای حل و یکطرفه کردن این مسایل ما به تسوید وثیقه ملی (قانون اساسی) و کار به آن حتی در موارد به صورت التریناتیف با توافق حاکمیت دیفکتو در افغانستان و یا بدون توافق آن ضرورت داریم. ارگانهای قدرت و اداره دولتی باید در مورد وجود موانع ممکن و تطبیق قوانین بر همه یکسان، ضرورت بلا تأخیر است!

استفاده از امکانات داخلی و سازمان های جهانی را باید درین استقامت جلب کرد ولی کار محتوایی به صورت دقیق باید کار خود افغانها باشد.

در بخش سیاسی، اجتماعی: بلی معضل و مشکل ما مشکل جهانی و جهان به قریه خورد مبدل شده و حوادث جهان با هم ربط دارند و ما به یکدیگر ضرورت داریم و محتاج یکدیگر ایم. ما جز جهان و حوادث جهان در کنش، واکنش و حالات جهانی در افغانستان تأثیر دارند.

بلی ما «تافته جدا بافته از جهان نیستیم!». این را ما درک میکنیم و جهان باید نیز درک کند تا نشود: «گره که بدست باز شده میتواند با غفلت خویش و جهان، زمانی مجبور، به دندان خلاص کردن آن، با مصارف زیاد مالی، خون و خزانه بیشتر نباشیم!».

ما درین استقامت بارها به استقامت سقوط از بحران به بحران دیگر رفته و یا برده شده ایم و تا حال در مجرای درست کار و استقامت درست مانند جوامع متمدن، نه افتاده ایم، هست مواردیکه در رول ناجی، دشمن و برانداز بوده و ما درک نه کرده ایم. دفاع از افغانستان را دفاع از پاکستان، و جیب پر کردن خود به خون مردم افغانستان را وسیله درآمد خود ساخته اند. ما و جهاد مردم افغانستان را با تمام وقاحت و چشم سفیدی برای منافع خویش بکار برده اند، درک مشکل ما دریک این یکجانب خلاصه نمی شود ولی این را یک مثال ساده آوردیم. ما عمق قضایا را یا دیردرک و فهمید در موارد به آن توجه نه کرده ایم. کردن اشتباه ممکن و بشری و تاحدی قابل بخشش شده میتواند، اما تکرار آن بخشودنی نه خواهد بود. هست مواردیکه عین اشتباهات تکرار میشوند و عده از افغانها باز در همان دام افتاده اند.

موقعیت جغرافیایی ما دربین قدرتهای بزرگ، طبیعت و منابع سرشار زیر زمینی و وجود تعداد زیاد عین اتنیک افغان در کشور های همسایه، و تعداد از عوامل چون میدان زور آزمایی های ابر قدرتها و شماری از عوامل عمده داخلی، سلحشوری مردم و به زانو درآوردن ابر قدرتها در افغانستان و عقدهای انتقام از ما و بخش از عوامل دیگر همه به هم دست داده و در موارد امکانات مثبت و خوب ما را نتوانسته استفاده مثبت و مفید کنیم.

مقصر هرکی باشد، که در پدیده های اجتماعی دهها عامل خورد و بزرگ، داخلی و خارجی، در توان ما و خارج از توان ما، عوامل اصلی و فرعی وجود دارند، اما ما باید به خود و نقش خود، درین میان تمرکز بنیادی نموده و متوجه این بخش بیشتر باشیم و شویم. برخورد و ظرفیت های خویش متمرکز و متوجه شویم. خود را بالاتر از دیگران نه تراشیم و به این هم باور داشته باشیم که هرچه گفتیم همه قبول کنند.

القیای سیاست است که در سیاست دوست و دشمن دایمی وجود ندارد و این همه به اساس منافع و مصالح تنظیم میشوند.

دیدیم که ابر قدرتها هم در موارد که دیگر منفعت شان نبود، امکان شان محدود شد به عقب رفتند و همه دارد و ندارد، عزت و نام خود را نیز به باد دادند و این قابل فهم است. اما مردم افغانستان اگر خانه شان سوخت دیوارهای خانه شان پخته شدو این همه مهاجرت ها و دربردی ها و در ابحار غرق شدن ها کمی جوانب مثبت جهان دیدن و

در موارد کادر های تحصیل کرده هم به میان آمد که سرمایه کشور اند. چطور شود این سرمایه های ملت به نفع کشور و مردم ما به کار روند؟

بلی مردم افغانستان از کوره های متعدد گذشته و آبدیده شده و سواد سیاسی شان هم حالا بلند است! منابع خبر مردم متعدد و فرصت انتخاب و قضاوت مستقل دارند.

عده با عدم درک این واقعیت تلاش دارند خواننده و بیننده را دست کم گرفته و بدون مستندات، در قضاوت در ارایه واقعیت های جامعه، بایبست (تحمیل کننده نظر خویش) آند و خواننده را دست کم میگیرند.

مسلم است که تجارب تلخ پنج دهه گذشته، ما را سخت شکاک و مذبذب ساخته و به هر دست دراز شده و لو به خیر به دیده شک و تردید مینگریم. در نتیجه حالت منجر به بی جرئتی شده و ما را از عملکرد قاطع و اعتماد باز میدارد. این حالت ما را در تصمیم گیری در موارد جیون ساخته و در همراهی خیر، تصمیم گرفته نمی توانیم و یا به حد مضر محتاط ایم.

این حالت سبب بحران و سبب عدم اعتماد بر رهبری و عدم اعتماد بر زعامت سیاسی شده و موجب میشود که هر حرکت آغاز شده و لو به نیت خیر با مشکل اعتماد مواجه باشد و این یک بحران بزرگ امروز است.

درین حالت بر ماست که رهبر و زعیما برنامه و نسخه شود و علمبردار نسخه و برنامه قبول شده باید نه دایمی و نه میراثی باشد. بر ماست تا علمبردارن نسخه با فعال ساختن میکائیز و ساختار سیاسی و برنامه شده، تحت نظارت و ذره بین دوا مدار ملت قرار داشته و ساختار چنین باشد.

سیستم باید این را برای ملت اجازه دوا مدار بدهد. به این ترتیب ما سوال اول بحث خود که مشروعیت رهبر، زعیما و پیشوا و نظام است که در مرحله اول باید به توافق متداول و ممکن بشری درین راستا، رسید، تمرکز داشته باشیم. بدون حل این سوال مرکزی اول که مشروعیت سیاسی است، ما به قدم های بعدی، قدم مناسب خوب برداشته نمی توانیم.

از جانب دیگر توافق بر میکائیم به معنای اقدام فوری برای عملی کردن کدام انقلاب، سرنوشتی و نظام براندازی نیست. زمینه سازی مناسب برای بر قدمهای مثبت قدم گذاشتن و تداوم به خیر و رفع و از بین برداشتن خطا ها، یک پروسه است.

تمرکز اساسی امروز باید یافتن و توافق به نسخه، راهکار و سیستم خروج از معضل و بحران باشد و برای عملی کردن این خروج از بحران علمبرداران و مجریان باور مند و توانمند به این راهکارها دریک سیستم قابل قبول و وقابل دسترس روی دست گرفته شده و با تعیین اولویت ها قدم به قدم با حفظ اولویت کار، اجراء گردد. هرگونه عجله مشکل ساز خواهد بود!

علمبرداران این نسخه ها راهکار های مشخص توافق شده نباید میراثی و یا ناشایسته صرف به معیار های قومی، جنسیتی و عمری تعیین، انتصاب و پیشکش شوند. ارزشهای عقیدتی و فهم از راهکار و اعتقاد در پهلوی صداقت و امتحان خوب، به آن باید اساس کار باشد. با تأسف عمدتاً در ۵ دهه اخیر و تا حال قصه برعکس بوده اول رهبر، رهبری، و بعد نسخه مطرح شده و بوده است.

با تأسف در کشور های عقب مانده و از جمله افغانستان این پدیده عامتر است. زمانی که از مدعیان زعامت پرسیده میشود، برنامه و نسخه چیست؟ تفاوت نسخه و برنامه بین ایشان و دیگر چیست؟ چه چیز ایشان را برتر از دیگران میسازد، متأسفانه یا جواب قناعت وجود ندارد و یا مطالب غیر مرتبط و نادرست را از روی وقت خواند و خود را فریب میدهند. در اکثر موارد

اصلاً جوانب ندارند. من تا حال تفاوت برنامه های احزاب اسلامی موجود در افغانستان را به استثنای رهبر و ولیعهد متفاوت چیزی دیگر در برنامه نه یافتیم. هست مواردیکه در قسمت برنامه، اطرافیان چیزی را مطرح کرده و در عمل برنامه فرع و غیر بنیادی باقی مانده است.

بر ماست با قواعد روشن تمام این جوانب منفی که موجب بی اعتمادی و سوء استفاده از قدرت و فرصت میشود با علم و دانش و تجارب نیک بشری، این ساحات کار را مهار و برای تنظیم از بالا و پایین کار های مقدماتی صورت گیرد و حکمیت ساحه و قواعد سالم و محیط خوب برای رشد و اصلاح این بخش بلا تأخیر روی دست بگیرد. نامش را هر چه میگذارند مهم نه خواهد بود، مهم اینکه کتله های از مردم ما با افکار مشابه فرصت سهم گیری در سرنوشت خویش را دریابند. تا حال چنین فرصت و محیط سالم ایجاد نه شده و در جمهوریت تلاش ها درین عرصه، عملاً مبتذل و رسوا کن بود. احزاب و سازمان های قومی و فاشیست مثال های زنده آن اند.

بلی جوانب منفی را با نورمهای خوب و تجربه شده، فیضه و لجام زدن حتمی است.

با تمرکز درین استقامت، با پیشکش کردن رهنمود ها، قوانین و مقرارت خوب و بخاطر خدمت به امر خیر و خدمت و نظارت پیگیر از تطبیق آن، با تمام قوت در ایجاد یک صف بزرگ ملی و در توافق به شعار های معین و مشخص حد اقلی، تمرکز کرد و گام های عملی مشخص ممکن و در چوکات امکانات خویش، بلا تأخیر برداشت. کار درین عرصه عمدتاً در بین خود این تلاش ها خارج از حاکمیت سیاسی دیفکتو و موقف کل ایشان با حاکمیت سیاسی مانند برای رسیدن به یک جامعه متمدن سیاسی درین استقامت، ضرور بلا تأخیر است.

مکرراً منظور من عوض رهبر و زعيم تراشي و تکرار بن جديد و ساختن مجسمه های غير قابل انتقاد و امپراطور های و سپه سالارها دایم العمر، باید برنامه، نسخه و سیستم سالار و برای تحقق آن همه کارهای همه جانبه مانند بسته و پکیج اجرا کرد و روی دست گرفت.

منظور من آمادگی به انقلاب و نظام براندازی نیست!

توافق بر برنامه، شعار های مشخص کاری، راههای مشخص رسیدن، مرحله به مرحله در چوکات تجارب نیک بشری و قواعد کاری و اقدام مطابق اصول علمی و استفاده از تجارب نیک بشری و افغانی است!

احزاب سیاسی که قبل از همه نسخه و راهکار محوری و برای مسایل مطروح کشور با پیش کشیدن نسخه خود را در جامعه مطرح میکنند و در خود کتله های بزرگ جامعه را به اساس توافق بر نسخه و برنامه جمع و قوت میسازند. این را نباید به کتله های قومی، زبانی، مافیایی، خانوادگی و میراثی مغالطه کرد. این مردم این فرصت تنظیم در کتله و قوت را نداشته باشند به کتله های مافیایی، جنایی، قومی و زبانی تنظیم خواهند شد و این نوع انکشاف را باید مانع شد.

مجمع و کلکتیف انجمن دانشمندان و متخصصان افغانستان و تلاش های جناب پروفیسور حکمی و تیم همراه درین راستا قابل ستایش است.

درین راه تلاش های خوبی دارد که الحمد لله، در ستیج جامعه افغانی تنها نیستند. مدافعان منافع ملی افغانستان، محور ملی افغانستان، مرکز کلتوری د حق لار و ... شخصیت های خیرخواه و خدمتکار افغان و اکثر ملت ما به این روش ها و سبک کار باور دارند و کار کردن میخواهند که باید به صورت درست و دلسوزانه مساعدت و همیاری شوند. چطور میشود این تلاش را در توافقات روشن و ملی توحید، هماهنگ و برای تحقق عملی آن بدون انحصار ساختن مالکیت این شعارها و راهکار های مرکزی، در چوکات یک شورای تدارکاتی ملی، عملی و عینی سازمان دهی و استقامت داد شود، سوالی است که باید به طور دوامدار به آن متمرکز و تدابیر خوبی عملی روی دست گرفت؟

این ممکن است ممد، همکار و مداوای برای رفع این بحران بی اعتمادی بر زعامت سیاسی گریده، فضای اعتماد قوت بگیرد و ممانند یک یک صف و کتله بزرگ بدون انقلاب و براندازی به ادای رسالت و خدمت به مردم و کشور خویش عملاً کار کنیم و این کاملاً ممکن و عملی است!

در جوامع مختلف بشری در بخش سیاسی مشکلات و معضلات مشابه وجود داشتند، که با تلاش پیگیری، تعقل و تدبیر بر آن در دیگر جوامع غالب شدند و این مراحل منفی را کوتاه ترو یا به حد اقل رسانیده و بر ناکامی ها غالب شده اند. از موانع با تعقل و تدبیر، تواضع و از خود گذری و در موارد ممکن گذشته، غالب شده اند و ما نیز چنین فرصت را داریم.

بلی یک از تفاوتها و فرقهها بین انسان ها و سایر حیوانات درین همین هم است که انسان های هوشیار و خیر خواه، مثبت های گذشته را از خود ساخته از منفی ها جدا کرده و مثبت ها را ادامه و از منفی ها دوری میجویند. چوکی ای که ما بر آن نشسته ایم به مرور قرنهای چهار پایه رسیده و در حال ضرورت امروز به پنج پایه شدن نیز، اتفاق کرده اند.

ما هم به توافق ملموس بر حل مسایل و معضلات خویش رسیده میتوانیم (ان شاء الله تعالی).

بلی باور داریم که چنین امکان، فرصت و ظرفیت در افغانهای ما وجود دارد!

در یافتن نسخه، راهکار و برنامه نجات در عالم اسباب تأکید فورمال به اصطلاح به پوزیتیف دیسکرمنیشن، تقسیم پیر، جوان، زن و مرد، قوم و زبان نمی شود. نظر و اندیشه یا وارد است و یا وارد نیست. اگر وارد است، باید گرفت و منطق آنرا عام ساخت و بعد فرصت به همه اقشار جامعه داد تا درین راستا بدون تبعیض سهم گرفته و با انرژی آینده ساز شوند و ادای رسالت کنند. لذا تأکید یکسره به پوزیتیف دیسکرمنیشن درین عرصه افراط در فهم تساوی و فهم فرصت به همه است. تساوی در انسان و انسانیت را با تساوی در رسالت نباید مغالطه کرد. به این ترتیب پوزیتیف دیسکرمنیشن نباید مورد سوء استفاده قرار بگیرد. (سلامی زدن جنرال جبهه به خانم کرو بلند، غیر مسلکی و غیر فنی، نصب شده در بلندترین ارگان امنیتی صرف بخاطر تساوی جنسیتی، عواقب خطرناک را با خود داشت و جداً مشکل ساز بود).

نماینده از زنان افغانستان در مجامع بین المللی صرف به خاطر تکلم به زبان انگلیسی و هنرمند بودن، انتخاب خوب نیست. به حیث و مقام با افتخار زنان با عفت، آبرومند و شجاع ما سخت خدشه و لطمه وارد کرده و کرده میتواند.

قبل از اعتراض و نشان دادن حساسیت به این نکات بالا باید آنرا دوباره و با دقت باید خواند و در مورد تعمق کرد. **ساختار های سازمان های مدنی و خبریه باید به صورت جدی در چوکات تعیین شده، فعال ساخته میشدند و وظایف تعویض ناپذیر خود را با محتوی و نه به شکل صرف پروژه گیر و کسب مالی و یا مرجع استعمال ضد مقدسات ارزشمند دینی و ملی ما نمی شد و نه شوند.** این همه جوانب و ساختار ها را با قوانین خوب و ساختار های خودگردان مدرن سخت مهار، کنترل و نظارت میکرد و جوانب منفی آنرا اگر به صورت مطلق از بین برده نمی توانستیم و نمی توانیم به حد اقل رسانید.

انحرافات تحت این نام ها و تخطی های کم و بیش در جوامع مختلف و افغانستان بوقوع پیوسته است. جوامع دیگر توانسته اند به تخلفات پیروز شود و ما هم چنین امکانات را داریم. جوانبی منفی را مهار سازی به معنای لغوه سازی نیست.

من به حیث حقوق دان به انقلاب و حرکات انقلابی تمایل ندارم و آنرا خوش خوب و مفید نمی دانم. انقلاب در سطح قانون و تنظیم امور در چوکات قانون سکنه می آورد و اکثر قوانین و مقررات قبلی ملغی و امور جدید به فرمان های انقلابی حل میشود. اگر این فرمان دادن مدت طولانی، پنج سال و شش سال شود، اضرار زیادی به بار میاورد.

مردمان هوشیار و تحول طلبان و مجریان هوشیار انقلابی و تغییرات بنیادی در حدود دو هفته بعد از تحول بنیادی اعلام میدارند که ما مجبور شدیم چنین تغییری بنیاد و سرنگونی را به میان آوریم، ما اولاد این وطن و خادم ایم و بنابر بر تشخیص ما نام گرفته این و یا آن مواد قانون مغلی و بالای باقی قوانین کار میکنیم و امور را به اساس قانون تنظیم میداریم. تا آن زمان همه ادارات مکلف به اجرای قوانین و مقررات موجود است. در موارد عاجل به چنین و یا چنان اداره مراجعه کنید.

این همان چیزی بود که ما از حاکمیت طالب توقع داشتیم و داریم. از تنظیم شدن امور در چوکات قانون از جمله فرمان امر بالمعروف و نهی عن المنکر، قانون اجراءات جزایی و قانون شرطه حاکمیت دیفکتوی طالبان با وجود نبود قانون مادر (قانون اساسی و وثیقه ملی) استقبال کردیم. اما برای معلومات گفت که قانون مشروع متداول و در افغانستان مطالب به خواست ملت و آن در چوکات اسلامی میخواهیم و درین بحث نیست. اما قوانین مشروع متداول در جهان امروز در چوکات اسلام از خود روش های قابل قبول اسلامی نیز دارد. این فرمان (قوانین) در موارد زیاد آنقدر تخطی، خلاف رفتاری و زمینه ساز جرم و جنایت دارد که در مورد هریک ده صفحه، پانزده صفحه توضیح و تحلیل نوشته و نشر کرده ام.

لذا ما به این باوریم که نظام قانون و قانونیت، امنیت به مفهوم درست کلمه تنظیم امور در چوکات قانون است! قانون در انگلستان از گرین پیپر گرفته در ۹ مرحله به مرحله نشر و انفاذ میرسد و فرمان در دوران انقلابی است. درحاکمیت قانون حاکم و رعیت هر دو باید بدانند که حقوق و وظایف شان چیست؟ حق بدون وجیه ممکن نیست. عسکر و سرباز سر سرک باید بدانند که در صورت فرار متهم و مشکوم از چه وسایل و تا کدام حد استفاده کرده میتواند و حقوق، وجایب و صلاحیت هایش کدام اند؟ در صورت فرار مشکوک چند فیر و در کجای مظنون و مشکوک کرده میتواند؟ تا حال در قانون چنین چیزی نه دیده ام و اکثر به قضاوت هر سرباز گذاشته شده و تا حال متخلف کم مجازات شده و آن هم در خارج از رهنمود قانون.

من عام و مردم به قانون و رهنمود قانون ضرورت داریم و من به کتاب الله و سنت رسول الله ضرورت دارم. برای من مهم است که اگر از اشاره ای سرخ بگذرم، چند جریمه میشوم. من را به استناد رد المختار در قانون اصلاً ضرورت نیست.

خبره گان، دانشمندان، علمای دینی، طالب و ملا، پیر و جوان، زن و مرد باید درین استقامت برای نجات از بحران و رسیدن به استقرار، تحت هدایات و قواعد روشن کار مشترک و متمدن توافق شده دریک یک لویه جرگه تعریف شده کار کرد.

لویه جرگه ای تعریف شده، نه تاریخی، نه عنعنوی، نه مشورتی! مدافعان منافع ملی افغانستان در مورد نسخه کاری مسوده، دارد که میتوان مانند آغاز کار از آن استفاده کرد. در نظر گرفتن اصناف بیشتر از بیست و انتخاب غیر متمرکز میتوانند ممد کار مقدماتی باشد، اما نمی توان حاکمیت را قبول کرد که ملت را کنار بزند و در غیاب و عدم حضور ملت در تصمیم گیری، سخن نهایی را عده بدون اشتراک ملت در محفل به نام **لویه جرگه** نهایی سازند.

در لویه جرگه مذکور **اصول کاری مشترک و قانون اساسی موقت** برای زمان محدود دوساله، تصویب شود.

این قانون اساسی موقت برای دوسال آینده بعد از انتخابات سراسره دوباره تجدید نظر گردد.

درین لویه جرگه جهت توافق به اهداف دور و زمان ابتدای کار برای رسیدن به ملت سالاری، چون تعیین کمیته تسوید قانون اساسی، توافق به حد اقل ها، آمادگی برای انتخابات و رفتن به انتخابات تدابیر مشترک، وسایر اصول و چوکات ایجاد جامعه متعتمد، توافق صورت گیرد.

درین تلاش بار دیگر هدف سقوط حاکمیت دیفکتو نیست، بلکه فرصت است برای متعتمد ساختن زندگی سیاسی، مراجعه است به جهان جهت آغاز پروسه توسعه علایق با جهان، باز شدن نمایندگی های قونسل و آتش های تجارتي، که در خدمت ملت و انکشاف افغانستان قرار گیرند. قدمهای بعدی در تناسب اجراءات عملی حاکمیت دیفکتو در اجرای تصامیم لویه جرگه متناسب خواهد بود.

لویه جرگه باید در یک پروسه شفاف و سالم بدون اینکه دور زده شود، تصمیم گیرنده اصلی ملت گردد.

ملت مجاهد و مسلمان و ملت شهید پرور انتخاب خود در چوکات اسلامی و ارزشهای بشری دارد!

انستیتوت های جمهوریت پارلمان، انتخابات، قوه اجرائیه، شورا ها و قوه قضایه، احزاب سیاسی، سازمان های مدنی و خیریه و سایر ساختار های خود گردان دریک جامعه، اقتصاد بازار آزاد، مراجع خود گردان دفاع از

مستهلكين، قوانين كار و آزادي هاي سياسي غير مهار شده به قانون اساسي و منافع ملي در عمل، كاربراي تجزيه و ضد منافع ملي و امثال آن مطالب و مفاهيم آند كه در محتوي به شكل درست قابل ترديد نيستند و ما در بالا مسايل مشخص را درين راستا ذكر کرده و آورديم

ميدانيم اين همه بخش ها به اندازه كافي در جهان و در مفتضح و در آذهان كوبيده شده و حال فرصت كوبيدن فكر حاكميت اسلامي و در چوكات دين مابين اسلام است. مابايد با علم و دانش مانع همچو افتضاحات شويم و اين ممكن است!

توضيحات حقايق و روشن كردن جوانب درست اين ارزش ها و ظايف دوامدار ماست. بر ماتس و بايد به صورت درست و حقيقي اين ارزشها را مطرح و مستدل ساخت. ارزش و اهميت آن به قرن و سال تعين نمي شوند. جايگاه پدر، مادر، خواهر و برادر با گذشتن قرن ها در مقام و صحت خود باقي ميمانند. بشريت همين ارزش ها را دارد و بشريت همين ديموكراسي و آزادي لنك لاش را دارد كه مهار ساختن با قوانين خوب و قرن بيست و يكم در مطابقت به ارزش هاي والاي اسلامي مهار و پياده شوند.

درين چوكات مادرين مرحله به احياي قدم به قدم اين بخش هاي كاري دريك صف واحد بزرگي ملي ضرورت داريم. مشكالت مشابه در سطح مشابه انكشاف جوامع بشري وجود داشت، ايشان حل كردند و ما هم حل کرده ميتوانيم!

به صورت مشخص در بخش اقتصاد:

افغانستان با در نظر داشت سطح اقتصادي موجود به اقتصاد بازار آزاد مهار شده توسط قانون، فعال شدن مراجع دفاع از مستهلكين، مراجع فعال خودگردان و به پشتيباني دولتي درين عرصه، تقويت سكتور هاي معين كه جامعه به آن نياز دارد، توسط حاكميت. اقتصاد كشور به صورت عمده در

۱/ سكتور خصوصي، به حد اقل مداخله دولت در كار شان، زمينه ساز و ساختن انفراسراكتز (امنيت، مواصلات، تيلكمونيكنشن، و ساير خدمات و تسهيلات) و تمرکز به تكس و ماليه.

۲/ اقتصاد مختلط دولتي و خصوصي، به خاطر تقويت سكتور هاي كه جامعه به آن محتاج است و تقويت رقابت آزاد و خصوصي سازي آن در اولين فرصت ممكن. تجارت اجرائي تصاميم در مسايل معين تجارتي حتي ريسكي است و كسي در مال ديگر ولو با تمام نيت نيك ريسك مؤثر گرفته نمي تواند. اقتصاد سوسياليستي و در موارد كشور هاي مطلق العنان و تماميت خواه اين تجربه به صورت طولاني و سيستماتيک خوب ثابت نه شد و ممكن در آغاز در موارد مثبت باشد و در طويل المدت به يقين منفي بود و درست نيست.

۳/ اقتصادي دولتي، در موارد كه ضرورت ملي، مركزي و تسلط بر آن را امنيت ملي و منافع ملي كشور و عظمت كار ايجاب ميكند.

همه اي موارد فوق را به صورت فني و مسلكي و در مراحل مختلف سطح انكشاف جامعه سبك و سنگين كردن توسط افراد مسلكي و، مهر و تأييد سياسي ضرورت ميرم و حتمي بلا تأخير ميدانيم.

از ورود سرمايه از خارج استقبال ميكنيم. از امضاي قرار داد مبني بر ورود در حدود ۶۰ (۵۰) مليار دالر سرمايه گزاري تاجران سعودي و جهاني استقبال ميكنيم. حساست هاي و عدم رضاييت ها و كارشكني هاي، حساس منابع ايراني و پاكستاني را با عوامل فرهنگي، ديني، اقتصادي، سياسي و نظامي آنرا درين ميان ميدانيم كه قابل فهم هم اند اما در كل از آن استقبال ميكنيم. اما ما خود تشويش هاي جدی درين عرصه داريم. ميدانيم سرمايه گذاري هاي متعدد در كشور هاي افريقي چه بلاهاي را از جانب سرمايه گزاران امريكايي، چينايي و ... به اين كشور ها در عرصه محيط زيست و انساني و سياسي به بار آوردند و حكام فرخته شده و مزور اين كشور ها چه بلاهاي را بر كشور هاي خويش يا نظارت نه كردند و مانع نه شدند و يا هم خود جيب پر كردند و فرار كردند.

قوانين و نظارت خوب از قرار داد ها و تمرکز به خطوط سرخ براي منافع ملت، جامعه و محيط زيست ما بس مهم و بينادي آند. سرمايه هاي زير زميني ما يك نسله نبوده و بايد به صورت درست و دوامدار خوب استفاده شوند.

قرار داد هاي عملي بايد محيط زيست و قواي بشري و كاري مارا مساعدت معقول بدارند. برماست مواد خام و منابع زميني خويش را خود در كشور خويش پخته و نيمه پخته ساخته و به قيمت مناسب به فروش رسانيده بتوانيم. عوض چوب بايد چار تراش و عوض چار تراش بايد موبل و فرنيچر صادر كنيم، و نه برعكس آن.

ما از سرمايه گذاري هاي خارجي استقبال ميكنيم ولي بايد شروط فيصدي استفاده از كار گران افغاني را در اولويت شرط گذاشت و براي محيط زيست خويش شرايط معقول وضع كرد.

قرار داد ورود بيشتر از ۵۰ مليار سرمايه سعودي و جهاني به افغانستان در بخش استخراج تيل و گاز عقد گرديد اما نظر به آمادگي ها نيز ميدانيم چه مقدار و تعداد از كارمندان كدام كشور هاي جهان داخل افغانستان خواهند شد و مردم ما در سطح نازل تعليم و تربيه و خاصتا در سالهاي هاي به كدام منصب و مقام چوكيداري باقي خواهند ماند.

آيا درين راستا فعال ساختن مكاتب مسلكي و فني كه درين عرصه هاي استخراج تيل و گاز استخدام شوند از همين حال ضرورت جدی ما نيست؟ مسلماً كه هست.

آیا میدانید که کمک مسلکی و فنی برای انکشاف جامعه افغانی به چه تدابیر عملی ضرورت دارد و صرف به تصمیم و تلاش مجمع دانشمندان افغانستان، به صورت انتزاعی و انقطابی باید خلاصه شود.

آیا میدانیم که همین حالا سازمان های قوی و با تجربه (رکروپ منب اجنسی ترکی و پاکستانی) جهت دادن افراد مسلکی و فنی برای کمپنی های بزرگ چون دلتا انوسمنپ گروپ، عمدتاً شرکت عربستان سعودی، ایجاد شده و فردا زمانیک این کمپنی های بزرگ تفحصات گار و تیل و یا شرکت های بزرگ جهانی در افغانستان آغاز کنند افراد و اشخاص زیادی پاکستان، ایرانی و ترکی در افغانستان به کار وکسب پول از این ناحیه مصروف شده به مردم افغانستان درآمد حد اقل خواهد بود؟

بر حاکمیت موجود دیفکتوی افغانی و ساختار های سیاسی و مجمع متخصصین و دانشمندان افغانی است تا در ایجاد مراجع تخصص و مسلکی و استخدام افغانها به کمک مستقیم و غیر مستقیم سکتور خصوصی و دولتی درین عرصه فعالیت را از همین حالا با تشویق ایجاد مکاتب مسلکی و ساختار های استخدام مامورین و کارمندان برای این شرکت ها و منابع آغاز و پیشنهادات مشخص ارایه بدارند. ایجاد مراجع کاریابی مشخص درین عرصه راباید به جانب حاکمیت افغانی، جانب سرمایه گذار و ملت افغان و مراجع علمی کشور یک امر ضروری بلا تأخیر ساخت.

مسایل محیط زیست بعد از استخراج، بکار گیری نیرو های انسانی افغانی، احیای محیط زیست، مرجع تقسیم گیری و قضاوت (میدیشن)، در صورت اختلاف سرمایه گذار و کشور سرمایه گذاری شده و امثال آن سوالات باید از همین حالا و بلا تأخیر اقدام متناسب و پیشگیرانه شود.

بلی جانب پاکستانی. ترکی و ایران درین راستا فرساخت پیش و آماده آند (به گوگل و انترنت مراجعه کنید!). سرازیر شدن میلیارد ها دالر مالیه دهنده گان امریکا و جهان در بیست سال جمهوری به نام کمک به مردم افغانستان در ظاهر هر استدلال همان افراد مسلط خارجی در افغانستان بودند که باور داشتند و میدیدند که حاکمیت های و حکام افغانی دست نشاندۀ نمی توانند در برابر اختلاس شان مقاومت کنند و به همین خاطر کوشش کردند میلیارد ها دالر به نام افغانستان تخصیص بگیرند و خود حیف میل کنند و از گاو غدودی به همکاران داخلی نیز دادند.

اختلاس کابل بانک کدام اختراع افغانی نبود و همچو کار ها را خارجی ها در کشور های ها با سطح انکشاف مشابه در جهان کرده اند و اندکی همکاران داخلی شان نیز بهر مند شده اند. در مورد مقالات متعدد منتشر در سایت های افغانی و لینک مندرج در سوانح مختصر خویش دارم. کمپنی های سوپریم و سایر کمپنی های مشابه با قدرت و همکاری داخلی در اختلاس، چور و چپاول پول مالیه دهندگان خویش فعال بودند و به مردم افغانستان و زیرساختها در تناسب که پول وارد شد، مستفید نه شدند و عاملین جمهوریت در آن در موارد زیاد شریک بودند. میگویند از هر دالر ۸۰ فینیک را خارجی ها خود واپس بردند. جنرال های ارشد اردوی نیرو های نظامی خارجی از وظایف نظامی استعفا داده و خود مصروف رساندن اکمالات نظامی و چورهای مربوط شدند که برای همه در آن به شمول ملای پاکستان حق میرسید. ترانسپورت و امنیت ترانسپورت سلاح و مرمی و مهمات برای افغانستان در داخل پاکستان امروز به امر جهاد مصوون و با گذشتن از سرزمین پاکستان امروز و داخل شدن به افغانستان هدف جهادی شد، اعلام شد.

طرح های سیاسی و اقتصادی انجمن متخصصان ن و دانشمندان افغان و سایر فعالیت های مشابه نباید در تقابل به حاکمیت دیفکتو و نه نباید در اشاره و توافق حتمی با ایشان خلاص شود. طرح های معقول برای تمام جوانب به شمول حاکمیت دیفکتوی افغانستان مطرح و در صورت مخالفت کس بنابر بر هر عامل که باشد، تلاش ها توقف دادن نه شد، سایر امکانات قابل دسترس روی دست گرفته شود. سازمان ملل متحد نباید بآیدین این حالت مرجع کسب معاش های بلند را تصاحب کند و در سطح مدیریت بحران باقی بماند. ایشان باید در استقامت خوب و پیشگیری از تعمیق بحران کار کنند. درین راستا باید از خاصیت دیر جنبیدن خود برآید.

ما نباید منتظر بمانیم که ببینیم حاکمیت دیفکتو افغانی و سازمان ملل متحد چه میکند. نباید منتظر ماند که ایشان درین زمینه همکار و همیار اند و یا نه. همکار و همیار شوند فیها و اگر نه شوند حالت مضر است، اما تلاشهای تنویری، قوت و قدرت بزرگ ادرس بزرگ ملی شدن و منطق سخن را عام کردن، باید ادامه پیدا کنند.

این روش و اصول در تمام عرصه های سیاسی، قانونی (تسوید قانون اساسی)، طرح های معین اقتصادی و پروژهای مختلف اقتصادی مانند مسابقه سراسری ملی به پیش برده شده و برای حاکمیت دیفکتوی افغانی نیز مفادات و درست بودن آن مستدل شود.

در بخش نظامی: نیروهای امنیتی و نظامی را باید به صورت متواتر مسلکی ساخت و تابع قانون، منافع و مصالح کشور و تصامیم مراجع مشروع سیاسی گردانید.

افراد و اشخاصیکه در نیرو های امنیتی کار و فعالیت میکنند باید به صورت تعهد مندرج در سوانح کاری شان اقرار صادق درج شود که بنابر اجرای وظایف امنیتی و نظامی از تعلی خویش را به حزب و حرکت و سازمان سیاسی ختم و یا به حالت تعلیق قرار میدهد. استقامت کار درین پروسه یک ضرورت عینی بود و هست.

راههای حل و اقدامات مشخص:

با توجه به رهنمود ها و تحلیل های بالای باید در موارد بالا عمل متناسب بدون ضیاع وقت کرد. بر ماست مانند آغاز کار تا اولویت و منطق راه حل و نسخه معتقد، و بسیج شد و این به ایمان به راه و نسخه با تعمیم منطق راههای حل رفت.

راه حل و منطق آن باید چنان همگانی شود که این منطق با اعتقاد همگانی به همه برسد و این مغز کلام و مغز سخن است!

اما باز هم راه حل: اولویت های کاری و حد اقل ها درین مرحله تعیین و برای تحقق آن کار مشترک ملی، ما نند یک بسته، پکیج کار مشترک ملی آغاز شده، قدم به قدم و حسابی برداشته شود.

برای رسیدن به امر حلال و انسانی توصل به امور نامشروع، اغیر ملی، به دامن دشمن افتادن، انفجار و انتحار را در محلات عام اجرا کردن حرام، نامشروع و ناروا بوده هست.

ما درین راه حق نداریم موجب خون ریزی ویا افتادن در دامن دشمن تاریخی را مشروع دانسته وبه فریب برویم. رسیدن به امر حلال از طریق حرام، حرام حرام است! این واقعیت است که دارد در حال تحقق ولی به یقین قرار تمام شواهد و الفبای علم سیاست، ناکام خواهد بود و هست.

مسأله بکار گیری معقول قلم و تفنگ، بدون افراط و تفریط و با در نظر داشت اولویت قلم و سبک و سنگین کردن این هردو با

تجارب مثبت همراه کردن ضرورت است.

حل سیاسی، چنانچه گفته آمدیم قومی و زبانی نیست ندادن و برای یک شهروند و یک رأی و حاکمیت قانون مشروع و مدون، مدرن مانند پروسه کار کردن و ارزشهای ملی و اسالمی جامعه ما را به نام آزادی و دیموکراسی، مورد تجاوز قرار ندادن است.

... این همه نکات، قضایا و مسایل اند که باید به دقت تام در نظر گرفته شوند! نسخه ها و جزییات آن با تغیر شرایط و امکانات تصحیح و تکمیل شوند و بر شیر ریخته شده و گذشته ای که باز نمی گردد، گریه کردن مشکل را دوا نمی کند!

باید آینده نگر، تالاش گر و در پهلوی تلاش، بکار گیری تخصص و مسلک به توکل به الله متعال، کار خویش را تنظیم کرد.

پارلمان:

شارع در دین اسلام، الله متعال است. پارلمان در جوانب اسلام در مسایل که شرع روشن است، انتخاب نظر اصح و افضل مناسب حال جامعه را انتخاب میکند. در بقیه موارد از علوم و پیشرفت های بشری استفاده و آنرا به شکل واحد مسجل و تنظیم میکند!

و این راهی است که باید انتخاب کرد! عدالت بدون قوانین متمدن و مشروع ممکن نیست قوانین در کشور ها و جوامع اسلامی در مطابقت به ارزشهای اسلامی، کاملاً به انتخاب ملت در چوکات اسلام، دیموکراتیک آند

روش توتالیته و تمامیت خواهی، و خود را عقل کل گرفتن، راه حل نیست! جبروت ها و خود کامه ها آمدند، لجاجت کردند و خواست ملت را در نظر نه گرفتند و از صحنه خارج شدند!

بشریت بغیر از انتخاب و یک رأی و یک شهروند، راه بهتر عملی دیگر در عصر امروز در عالم اسباب ندارد. مسایل انتخاب و شورای حل عقد و بیعت با امکانات مدرن امروز میتواند با تعریف درست مورد استفاده معقول بشری قرار گیرند و راه درست را درین مورد باید با دقت و تدویم، بدون جست و خیز مرحله به مرحله چنانچه در بالا آوردیم، درپیش گرفت.

وجود قانون اساس و سایر قوانین منطبق به آن مطابق به ارزشهای اسلامی، ضرورت بلاتأخیر ماست.

اگر حرکت حاکم طالبان در افغانستان کمان کان باورمند اند که اصل: (الحق لمن غلب!) حق با غالب هست! (ما غالب شدیم وملت ما را میخواهد، ضرورت است که این تأکیدات با میکانیزم مشخص و ملموس به اندازه گیری گرفتن به صورت دوا مدار برود واین غیر از انتخابات چیزی دیگر در عالم اسباب نیست. رفتن به انتخابات بی باوری به عقیده و نظام خود نیست! در صورت تأکید به خود و افکار تحمیل راه انتخاب جنگ را تحمیل کردن جنگ و عدم استقرار و انزوای جهای و عدم مشروعیت است، که برای افغانستان و مردم آن خطرات بس بزرگ را به بار میاورد. انتخابات دیگر سالم و درست وجود ندارد!

تفاهم و مذاکر و دعوت های طالبان از مردم و دانشمندان افغان در خارج و داخل درین عرصه در عمل دعوت به تسلیم است و این قابل قبول نیست. مرد ما حق دارند در تعیین سرنوشت خویش سهم داشته و ارزشهای اسلامی و افغانی را درین عرصه با شناخت خود نیز مطرح کرده بتوانند و ملت در روشنایی کتاب الله و سنت رسول الله ص، نظر ملا، عالم، طالب، پیشتاز، متخصص و دانشمند کشور، پیشتاز شود. این به هیچ صورت باز کردن راه ویا تفکر سیکولار نیست. دین اسلام دین سیکولار نیست!

افکار جانشین طالب به نحوی که مطرح میشوند خطا و اغوا کننده است. جانشین طالب ملت افغان است و به ملت افغان باید مراجعه شود. طالب جز ملت افغان و کارنامه های خوب و بد خود را مانند سایر ساختار های سیاسی و افغانی دارد.

طالب روایت از دین و اسلام دارد که روایتهای دیگر را دانشمندان دیگر نیز دارند. روایت مسلط طالب از کسب علم برای اولاد وطن به روایت های مستدل دیگران در عکس آن مستند و اسلامی وجود دارند و حاکمیت طالب تفکر خویش را تحمیل کردن مشکل افغانستان را با عواقب تعمیر ناپذیر تعمیق میبخشد. بر تمام ما و خاصاً بر طالبان و حکمان دیفکتوی افغانستان در شرایط امروز است که با سرتمبگی و لجاجت در تعمیق تراژیدی مردم افغانستان و گذاشتن اولاد وطن در جهالت ، حق تلفی انانث، عدم مراجعه ملموس به ملت و عدم شریک ساختن ساختاری ملت در قضایای کشور مشکلات مردم ما را تعمیق نه بخشیده و عبادت کردگی خویش را مورد سوال قرار نه دهند.

الهی رحم! الاهی رحم

و ما علینا الا البلاغ المبین و ما توفیقنا الا بالله – علیه توکلنا و الیه المصیر.

داکتر صلاح الدین سعیدی - تلیفون: ۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

strategicstudies@yahoo.com

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلان

با تقدیم سلام و درود خدمت شما!

مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان هفتادویکمین کنفرانس زومی خود را تحت عنوان "بحران افغانستان؛ ریشه ها، پیامدها و راهکارهای بیرون رفت ملی" به ساعت 05:00 عصر به وقت اروپای مرکزی، ۲۹ وری/ سنبله، سال ۱۴۰۵ هجری شمسی (بیست سپتامبر، سال ۲۰۲۶ م.) از طریق برنامه زوم برگزار مینماید.

سخنرانان کنفرانس

دوکتور محمد عثمان روستار ترهکی، دوکتور صلاح الدین سعیدی، دوکتور عبدالرؤف توانا برای اشتراک مستقیم در جلسه لینک زیر را لطفاً فشار دهید، و یا با استفاده از معلومات ذیل به کنفرانس بپیوندید:

<https://us06web.zoom.us/j/9276940954?omn=83224482890>

Meeting ID: 927 694 0954

با احترام

پروفسور دوکتور عزیز الرحمن حکمی، رئیس مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان